

● تألیف: توماس جی بدی
● ترجمه: سیدرضا میرطاهر

فصلنامه مطالعات راهبردی
شماره ۵۰ و ۶ پاییز و زمستان ۱۳۷۸

تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش عملی

■ فهرست

۲۴۸ مقدمه
۲۴۸ الف - معضل در مقام تعریف
۲۵۲ ب - شناخت عناصر مفهومی تروریسم بین‌المللی
۲۶۳ نتیجه‌گیری
۲۶۵ یادداشت‌ها

■ چکیده

در این نوشتار مؤلف ضمن تبیین این مشکل که آرایه یک تعریف جامع و مانع از تروریسم بین‌المللی اساساً میسر نیست، به تحلیل تعاریف آرایه شده پرداخته در یک جمع‌بندی نهایی به وجود پنج عنصر مشترک در کلیه دیدگاه‌های آرایه شده پی برده است. تکرار، انگیزه، قصد، عاملان و تأثیر، پنج حوزه اصلی‌ای هستند که در مقام تعریف تروریسم بین‌المللی باید مدنظر قرار گیرند. هدف نویسنده از نوشتار حاضر فراهم آوردن بستر مناسبی برای دست‌یابی به یک تعریف نسبتاً مشترک از تروریسم برای مقابله صحیح با آن می‌باشد.

مقدمه

یکی از مشکلات بنیادین در سخن گفتن از پدیده تروریسم بین‌المللی این است که علیرغم ازدیاد آثار محققانه و بیش از سی سال گفتگو بین دولتها در این مورد، هنوز تعریفی مشترک و پذیرفتنی از آن وجود ندارد. تعاریف موجود تمایل بدان دارند تا در یکی از دو طبقه‌بندی گسترده آکادمیک و یا سیاسی قرار گیرند. تعاریف آکادمیک معاصر از تروریسم بین‌المللی در وهله نخست به منظور جای دادن وقایع در قالب مدل‌های آماری مختلف ابداع شده‌اند. این تعاریف غالباً مفصل و بیش از اندازه پیچیده بوده و کاربرد مشترک را ناممکن می‌سازند. تعاریف سیاسی از تروریسم بین‌المللی نیز خالی از ابهام نیستند؛ وجود ابهام در این تعاریف، زمینه را برای عرضه مناسب‌ترین و نزدیکترین تفسیر سیاسی از رویدادها مهیا می‌نماید. این مقاله نگاهی عملی به معضل تعریفی موجود در زمینه مطالعه تروریسم بین‌المللی دارد. نوشتار حاضر در قیاس با تروریسم دو سوی طیف تعریفی در این زمینه، مسیری میانه را طرح می‌کند و سرانجام تعریفی روشن‌تر و کاربردی‌تر از تروریسم به دست می‌دهد که مبتنی بر ویژگی‌های اصلی تروریسم بین‌المللی است که آن را از دیگر انواع خشونت متمایز می‌سازد.

الف - معضل در مقام تعریف

یک مشکل اساسی در زمینه مطالعه و تحلیل تروریسم بین‌المللی معاصر، نبودن تعریفی کاربردی از این [نوع] فعالیت است. علیرغم چندین دهه از [وجود] نوشته‌های آکادمیک درباره این موضوع، هیچ تعریفی که پذیرش همگانی داشته باشد برای آن یافت

نشده است. برخی نویسندگان این "معضل تعریفی" را با هواداری از بسط یک تعریف نهایی و همگانی و جامع، دامن زده‌اند. دیگران بر ایجاد اصطلاحات تخصصی، مانند [واژه] فراملی^۱، اصرار ورزیده‌اند که هر قدر هم دقیق باشند، طنین عمومی اندکی داشته و یا بدون انعکاس بوده و در اغلب موارد صرفاً برای عده خاصی مفهوم دارد. تأثیر فلج‌کننده این مناقشه تعریفی به ظاهر بی‌پایان، در ناتوانی مداوم نهادهایی مانند سازمان ملل منعکس گردیده به گونه‌ای که پس از سه دهه مشاوره، هنوز به اجماعی در زمینه تعریف آن نرسیده است. سازمان ملل علیرغم قطعنامه‌ها و کنوانسیونهای بین‌المللی متعدد، در این زمان، از این واقعیت، کناره می‌جوید که رسیدن به تعریفی مشترک [در این باره] ناممکن می‌باشد... [به عنوان مثال] پس از بیش از یک دهه از کاربرد تعریف مشابهی در مورد تروریسم بین‌المللی، تصویب قانون جدید ضد تروریستی ایالات متحده در سال ۱۹۹۵ موقتاً متوقف گردید. دلیل این امر بر طبق گفته هنری هاید^۲ رییس کمیته قضایی مجلس نمایندگان و یکی از حامیان این قانون، "تعریف موسع" این قانون [از تروریسم] بود. (۲)

یکی از جامع‌ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم که مکرراً نقل شده، تعریف آلکس پ. اشمید^۳ می‌باشد. اشمید که از مساعدت بیش از پنجاه دانش‌پژوه در بسط و پالایش تعریف خود بهره برده است، نتیجه می‌گیرد که: تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروههای مختلف به کار گرفته می‌شود. البته تعریف اشمیت به همین جا ختم نمی‌شود و در ادامه بین نوع اهداف مورد نظر، تأثیر مورد نظر، تصادفی یا انتخابی بودن عمل و... تفکیک قایل می‌شود. (۳)

بنابراین چندان عجیب نیست که حتی اشمید بعداً قبول می‌کند که "حتی تعریف دقیق و طولانی وی را احتمال ندارد که دولتها، به کار برند." (۴) تعریف اشمید حاصل ترکیب ۱۰۹ تعریف است؛ که در آن ۱۶ عنصر قابل تعریف از ۲۲ عنصر اصلی مورد نظر اندیشه‌گران مختلف آمده و مثالی کلاسیک از یک تعریف آکادمیک به شمار می‌رود. بدین لحاظ، از این تعریف به دلیل پیچیدگی و تا حدی تناقض آمیز بودن و نیز فایده ناچیز آن، انتقاد گردیده است. (۵) همچنان که این امر در مورد بسیاری از تعریفهای آکادمیک

1- transnational

2- Henry Hyde

3- Alex P. Schmid

دیگر صادق است، چراکه متغیرهای آن به نحوی طراحی شده‌اند که بتوانند کلیه حالات متصور را پوشش دهند و بدین ترتیب کارایی لازم را به علت کثرت متغیرها دارا نیست. در عین حال، این تعریف به دنبال ایجاد مبنایی برای طبقه‌بندی این حوادث است و از این حیث قابل توجه می‌نماید.

در حالی که تلاش اشمید، مانند بسیاری از دیگر دانش‌پژوهان اروپایی، برای برشمردن بیش از اندازه اوصاف تروریسم در زمینه تعریف، ابهام‌ساز شده است، وزارت خارجه ایالات متحده نیز از طریق تعمیم بیش از حد، به همین معضل گرفتار آمده است. وزارت خارجه آمریکا از سال ۱۹۸۳ تعریف مندرج در سند ۲۲ از قانون ایالات متحده، ماده ۲۶۵۶ (بند "د") را به کار می‌برد:

«واژه تروریسم به معنای خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی است که علیه اهداف غیررزمنده^۱ توسط گروه‌های فرملی^۲ و یا عوامل پنهانی و معمولاً با قصد نفوذ در مخاطبان صورت می‌گیرد.» (۶)

تعریف وزارت خارجه آمریکا در اگرچه به ظاهر بسیار بیش از تعریف اشمید قابل قبول است، لیکن از تعریف آرمانی، بسیار دور است. شایستگی نسبی واژه "عمدی" و شامل ساختن جمله "معمولاً با قصد نفوذ در مخاطبان" در تعریف، قابل پرسش است. این موارد نه به وضوح تعریف و نه به شناسایی خصوصیات منحصر به فرد تروریسم، چیزی نیفزوده‌اند. با این همه مطلب مسأله‌سازتر واژه "عوامل پنهانی" است، زیرا اقدامات پنهانی دولت‌ها، تحت طبقه‌بندی خاص خود یعنی جاسوسی، خرابکاری و... می‌آید و دخالت مستقیم این‌گونه اعمال در اقداماتی که در دوره اخیر تحت عنوان "تروریسم بین‌المللی" طبقه‌بندی شده، بسیار کمیاب است. علاوه بر این، از نظر وزارت خارجه آمریکا، واژه "غیر رزمنده" علاوه بر غیر نظامیان، پرسنل نظامی‌ای که در زمان وقوع حادثه غیر مسلح بوده و یا در حال انجام وظیفه نمی‌باشند نیز می‌گردد، و همچنین همه حملات بر ضد تأسیسات نظامی و یا پرسنل مسلح نظامی را دربرمی‌گیرد، هنگامی که حالت مخاصمات مسلحانه در محل وجود ندارد؛ "از آن جایی که سربازان مسلح آمریکایی در حال خدمت در خیابانهای یک کشور خارجی را، برحسب این تعریف، می‌توان زیر عنوان "غیر رزمنده" طبقه‌بندی کرد، بیانگر این تمایز روشن نمی‌باشد، نتیجتاً تروریسم بین‌المللی صرفاً به مثابه "تروریسم دربرگیرنده شهروندان یا قلمرو بیش از یک

در حالی که شماری از مشکلات در مورد این تعریف وجود دارد، با این همه، تعریف فوق نمونه‌ای عالی از یک تعریف سیاسی از تروریسم فراهم می‌آورد. ماهیت ابهام‌آمیز تعریف وزارت خارجه آمریکا برای مقامات آن وزارت، بالاترین میزان آزادی عمل در مورد تفسیر وقایع اهمیت‌دار سیاسی را عرضه می‌دارد. متأسفانه، آن چه که برای علم سیاست مطلوب است همواره برای سیاست [عملی] مناسب نیست، همان‌گونه که تلاش برای تصویب قوانین جدید ضد تروریستی و بهبود همکاری بین‌المللی در این مورد، به واسطه فقدان تصریح در تعریف دچار اختلال شده است. در حالی که کاربرد اصل "اصالت رؤیت"^۱ (هنگامی که چیزی را بینم آن را می‌دانم) ممکن است انعطاف‌پذیری سیاسی را تضمین نماید، لیکن دولت‌ها را نیز در معرض انتقاد قرار می‌دهد. فعالان حقوق مدنی بر تلاش‌های گذشته دولت ایالات متحده برای بسط قلمرو تعریف موجود، پرسش وارد کرده‌اند که این منجر به وارد آمدن اتهاماتی دال بر نژادپرستی^۲ شده است. (۸)

علیرغم تلاش‌های بیشمار طی دو دهه گذشته برای بسط تعریفی کاربردی از تروریسم بین‌المللی، تدوین یک تعریف روشن و مختصر که در دو قلمرو آکادمیک و سیاسی سودمند باشد، همچنان به مثابه یک مشکل جدی باقی مانده است. این چنین تعریفی باید منعکس‌کننده فراست آکادمیک و احتیاط سیاسی باشد. این تعریف باید مشخص و برخوردار از دقت زیاد باشد، تعریف مورد نظر همچنین باید در عین شناخت از گذشته، واقعیات نظام بین‌المللی موجود را نیز منعکس سازد. می‌توان با تلفیق عناصر مختلف شناخته شده در آثار قبلی، تعریف زیر را در حد نوشتار حاضر پیشنهاد داد:

«کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به‌مراه قصد ارباب، به وسیله عاملان غیردولتی، که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد.»

این تعریف در پی شناسایی عواملی است که در ترکیب با یکدیگر، تروریسم بین‌المللی را از دیگر انواع خشونت متمایز می‌سازد. این تعریف با تأکید بر توافق، به جای عدم توافق بر سر تعریف، در پی ایجاد چارچوب وسیعی برای طبقه‌بندی و شمول بیشتر وقایعی است که در دوره اخیر، از آن به تروریسم بین‌المللی نام برده شده است. این تعریف پنج عنصر اساسی را دربرمی‌گیرد: تکرار، انگیزه، قصد، عاملان و تأثیر.

۱- تکرار^۱

یکی از خصوصیات حساس و برجسته خشونت‌ی که تحت عنوان تروریسم طبقه‌بندی می‌شود، تکرار است. فرض [وجود] خشونت نظام‌وار، تروریسم را از وقایع جدا از هم و یا خشونت فردی متمایز می‌کند. در حالی که اقدامات خشونت‌آمیز انفرادی ممکن است از لحاظ به‌کارگیری روشهای مشابه، برانگیختن واکنشهای مشابه و یا برآوردن دیگر معیارهای تعریفی، با تروریسم شباهت داشته باشد، لیکن این موارد علیرغم وسوسه، بر نامیدن آنها با واژه تروریسم، جزو آن نیستند. اگرچه عامه مردم، رسانه‌ها و سیاستمداران برای تهبیح احساسات و جلب توجه تیتراژ [روزنامه‌ها]، به راحتی از این واژه استفاده می‌کنند، لیکن باید به نحوی روشن بین اقدامات خشونت‌آمیزی که به صورت موردی برانگیزاننده وحشت و ترور هستند و بین خشونت مکرر و الگوهای نظام‌مند خشونت که تروریسم نامیده می‌شود، تفکیک قائل شد. ترور [و وحشت] چیزی است که شخص احساس می‌کند، اما تروریسم بهره‌گیری مکرر و نظام‌مند از این وحشت است.

مقاله‌ای که چندسال قبل در یکی از روزنامه‌های میامی^۲ به چاپ رسید این نکته را روشن می‌سازد؛ در این مقاله، دو افسر پلیس فردی را که در یک بزرگراه قدم می‌زده و یک سر را با خود حمل می‌کرد متوقف ساختند؛ در نزاعی که به دنبال آن رخ داد، آن فرد مکرراً سر را به سوی افسران پرتاب می‌کرد تا این که سرانجام تسلیم گردید. ترور [و وحشت] آن چیزی است که افرادی که در آن صبح با اتومبیل‌هایشان به سرکارهای خود می‌رفتند [با مشاهده آن صحنه] ممکن است احساس کرده باشند. ترور آن چیزی است که به نحو یقین، آن دو افسر پلیس که درگیر ماجرا بودند احساس کرده و آن صحنه را در کابوسهای مداوم مشاهده می‌کنند. ترور تقریباً چیزی است که خوانندگان آن روزنامه میامی هنگامی که روز بعد مشغول خواند ماجرا در روزنامه بودند ممکن است تجربه کرده باشند؛ با این همه، علیرغم این که آن فرد سر را به کرات به سوی افسران پلیس پرتاب کرد این امر تروریسم نبود؛ بلکه این یک ماجرای منفرد و مجزا و حادثه‌ای برانگیزاننده ترور [و وحشت] بود.

وقایع مختلفی ممکن است باعث گردد تا افراد دچار هراس، پریشان‌حالی و یا حتی وحشت شوند. وجود مرد مسلحی در یک قطار مسافری، وقوع یک جنایت ترسناک و یا

حمله به یک عمارت عمومی، ممکن است این واکنشها را برانگیزاند؛ با این همه، جز در صورتی که این گونه وقایع را بتوان در ذیل یک الگوی بزرگتری از خشونت طبقه‌بندی کرده و دیگر معیارهای تعریفی را نیز بر آن تطبیق داد، آنها را نمی‌توان تروریسم تلقی کرد. تروریسم منوط به تهدید معتبری دال بر تکرار و استفاده نظام‌مند از خشونت و یا وجود الگوی خشونت است...

تذکر این نکته واجد اهمیت است که تعریف داده شده از تروریسم بین‌المللی، در این مقاله بر تهدید کاربرد خشونت متمرکز نیست، بلکه بر استفاده عملی از آن عنایت دارد. در حالی که برخی نویسندگان در مورد تمایز بین تهدید و استفاده عملی از خشونت ناکام مانده‌اند، لیکن تمایز روشن این دو، عامل مهمی در طبقه‌بندی محسوب می‌شود. تهدید به خشونت به نحوی روزانه در سراسر دنیا ارسال و دریافت می‌شود. تأثیر و واکنش به این گونه تهدیدات، معمولاً بستگی به ماهیت و میزان اعتقاد به آنها دارد. در حالی که [در واکنش بدانها] ما شاهد انجام اعمالی چون شروع تحقیق در این زمینه و اتخاذ تدابیر حفاظتی مانند جستجو و تخلیه محل می‌باشیم. قطع نظر از این واقعیت که تهدیدات می‌توانند هراس‌آفرین بوده و اسباب زحمت گردند، بیشتر آنها بی‌اساس هستند و نباید در رده تروریسم جای گیرند جز در مواردی که اثبات گردد که بخشی از یک الگوی بزرگتر خشونت هستند.

در تروریسم بین‌المللی، تهدیدات غالباً بخشهای مکمل چنین الگویی هستند؛ با این همه، آنها جایگزین استفاده از خشونت نمی‌شوند، برای مثال، یک تهدید بمب‌گذاری ارتش جمهوری‌خواه ایرلند (IRA) که متروی زیرزمینی لندن و یا یک منطقه خرید خاص را هدف گرفته است، شایسته واکنشهای مشابه نیروهای امنیتی بریتانیا و مردم عادی، به خاطر اعتبار و اثبات‌شدگی این نوع تهدید است. با این حال، عامل ترس و ماهیت واکنش دولتی، منوط به تقویت دوره‌ای این تهدیدات است. صرف تهدیدات خشونت‌آمیز کافی نمی‌باشد، زیرا واکنش شرطی بدانها، بدون مطرح ساختن محرکهای غیرشرطی فروخواهد نشست؛ استفاده عملی از خشونت پیش شرط تروریسم است.

۲- انگیزه^۱

یک جنبه از کشمکش مداوم بر سر تعریف، به این سؤال مرتبط می‌شود که چرا مردم

دست به اقدامات خشونت آمیزی که تروریسم توصیف می‌گردد، می‌زنند. در حالی که مجموعه متنوعی از انگیزشها در ورای خشونت تروریستی شناسایی شده است، مباحثات درباره انگیزه‌ها غالباً مبدل به استدلالهایی در مورد توجیحات اخلاقی برای کاربرد خشونت می‌گردد. توجیحات در مورد خوب یا بد، درست یا غلط، بیگناه یا گناهکار، رزمنده راه آزادی یا تروریست، از دیدگاه تعریفی، نامربوط بوده و به جای انسجام به انشقاق در زمینه تعریف، تمایل دارند. سیاست مربوط به مشروعیت آرمان ممکن است چندان ارتباطی با رفتار و یا انگیزه رفتار نداشته باشد. باید قبل از قضاوت در مورد این گونه از رفتارها، به شناسایی و طبقه‌بندی رفتار پرداخت. به دیگر سخن، باید پیش از پیگیری خصوصیات، به طبقه‌بندی پرداخت. با گذر از لفاظیها، هدف اغلب جنبشهای تروریستی بین‌المللی، سیاسی است. تلاش تروریستها برای تحصیل اثبات منافع خودشان در فرآیند پیچیده تصمیم‌گیری، همان فرآیند سیاست، است یعنی این که "چه کسی چه چیزی را، در چه هنگام و چگونه بگیرد" (۱۸). آنها به دنبال وادار ساختن دولتها و نهادها به منظور توجه آنها به بی‌عدالتیهای واقعی یا متصوره اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده و یا به دنبال تأثیر نهادن بر وضعیت خود در محیط پیرامونشان می‌باشند. تروریستها به ندرت به نحو کامل، خارج از هنجارها و ارزشهای جامعه عمل کرده و برای منطقی ساختن رفتار خود به زحمات بزرگی گرفتار می‌آیند. تروریستها، از طریق تدوین منشورها و بیانیه‌ها و یا ایجاد سازمانهای سیاسی نیمه مشروع مانند "شین فین"^۱ و با "سوکورو پایولار"^۲ تلاش می‌کنند تا اقدامات خود را در چارچوب هنجارهای جامعه توجیه نمایند. هنگامی که تخلف بزرگی از قواعد جامعه رخ دهد... تروریستها ابتدا تلاش می‌کنند تا رفتار خود را توجیه کنند؛ سپس آنها می‌کوشند تا با جدا ساختن خود از آن حادثه، متعاقباً نحوه رفتار و تاکتیکهای خود را در واکنش به شکایت و محکومیت عمومی اصلاح نمایند. این‌گونه توجیحات ارتباط کمی با انگیزه اصلی برای کاربرد خشونت دارند.

برخی بر انگیزه‌های جنایتی تروریستها پا می‌فشرند؛ با این همه در بیشتر موارد، فعالیت جنایتکارانه انگیزه اولیه نبوده و صرفاً نتیجه اقدامات آنها می‌باشد. در حالی که همه تروریستها مجرم هستند، لیکن تمامی مجرمان تروریست نیستند اگرچه آنها مرتکب همان اعمال می‌گردند؛ برای مثال روشن است که عمل آدم‌ربایی یک جرم جنایی است.

۲۵۵ آدم‌ربایی معمولاً همراه با باج‌خواهی است. هر دوی جنایتکاران و تروریستها، اقدام به باج‌خواهی می‌کنند؛ تفاوت بین این دو نه در ماهیت جرم و نه در شیوه به کار گرفته شده، بلکه در انگیزه اقدام بدان است. انگیزه اصلی یک جنایتکار ممکن است حرص و طمع باشد، در حالی که انگیزه تروریست تعقیب یک دستور کار سیاسی باشد. این امر در مورد بیشتر اقدامات خشونت‌بار تروریستها، آدم‌ربایی، حملات مسلحانه، دزدی از بانک و حتی بمب‌گذاریها صدق می‌کند.

۳- قصد^۱

قصد و نیت نیز دارای اهمیتی مشابه با انگیزه برای خشونت در چنین اقداماتی است. ظاهراً به دلیل ریشه لغت "ترور"، یکی از پایاترین خصوصیات تعاریف تاریخی و معاصر تروریسم وجود عامل هراس است؛ رد پای این واژه که محصول انقلاب فرانسه است، به تعریف "سیستم یا رژیم ترور"^۲ (۱۹)، یا "حکومت ترور" می‌رسد.

ابزار اصلی آن، یعنی "کمیته ایمنی عمومی"^۳ (۱۷۹۳) تحت ریاست ماکسیمیلیان روبسپیر^۴، هراس و ترور را با استفاده آزادانه از "گیوتین" برای ریشه کن ساختن همه کسانی که ضد انقلابی پنداشته می‌شدند، به وجود آورد.

هراس و اضطراب اجزای تروریسم هستند، زیرا این دو کارایی اخبار و پیام‌ها را بالا برده و تأثیر آنها را بر روی جمعیت مورد نظر افزایش می‌دهد. با این همه ایجاد هراس و اضطراب در بین یک جمعیت بزرگتر، نتیجه فرعی تمامی خشونت‌هاست که از تمایل ذاتی بیشتر موجودات انسانی برای مشخص کردن خشونت نسبت به دیگران و یا همدردی با قربانیان خشونت منشأ می‌گیرد. تروریسم تلاش دارد تا این عنصر طبیعت انسانی را برای استخراج یک واکنش فیزیکی یا روانی به استفاده درآورد. در حالی که هراس جزیی از تروریسم است، لیکن این امر نه خصوصیت متمایزکننده تروریسم و نه ضرورتاً قصد اصلی بیشتر تروریستهاست. تروریستها خواهان نفوذ در رفتار دیگران هستند؛ آنها از "هراس" برای برانگیختن واکنش استفاده می‌کنند. واکنش مورد خواست، بستگی به انگیزه‌ها و اهداف آنان داشته و ممکن است از موردی به مورد دیگر تفاوت نماید، همان طور که مخاطبان تروریسم نیز ممکن است متفاوت باشند. (۲۰) در یکی از بیانیه‌های

1- Intent

2- System, regime dela terreur

3- The Committee of Public Safety

4- Maximilien Robespierre

جنبش باسک^۱ اسپانیا به وضوح خاطر نشان شده که آنها قصد دارند تا با اقدامات خود به چه نوع واکنشی دست یابند: دشمن، از همه جهت، هزار بار قویتر از ما است؛ لیکن هر زمان که ما دست به حمله می‌زنیم، در هر لحظه و هر مکان، ما نیرومندتر از او هستیم. دشمن، چونان یک حیوان تنومند که زنبورهای بسیاری او را نیش زده‌اند، تا حد خمشی کنترل‌ناپذیر، برآشفته و کورکورانه در هر سو به چپ و راست می‌زند. در این مرحله ما به یکی از اهداف اصلی خود یعنی وادار ساختن وی به این که دست به هزاران قساوت و اعمال وحشیانه زند دست یافته‌ایم. اکثریت قربانیان وی افراد بیگانه هستند؛ سپس مردم که تا این مرحله کم و بیش منفعل و در انتظار هستند، خشمگین گردیده و در واکنش [بدان اعمال] هوادار ما می‌گردند؛ ما نمی‌توانیم امیدوار نتیجه‌ای بهتر باشیم. (۲۱) این سازمان همانند دیگر سازمانها، قصد دارد تا واکنش بیش از حد دولت اسپانیا را برانگیزاند. این سازمان با پروردن و ادامه تحریک واکنش حکومتی، امیدوار است تا مبنای منطقی و اخلاقی لازم برای اقداماتش را فراهم ساخته و پشتیبانی درازمدت افرادی را که مبدل به قربانی گشته و تحت تأثیر خشونت دولتی واقع گشته‌اند، تضمین کند.

در حالی که برخی [گروههای تروریستی] از خشونت برای انگیزش واکنش شدید دولتها بهره می‌برند، دیگر گروهها خشونت را شکلی از اعتراض و یا کسب شناسایی آرمان خود به شمار می‌آورند؛ چنانکه "خوان"^۲ یکی از فرستادگان به مذاکرات صلح بین دولت مکزیک و جنبش "زپاتیستاس"^۳ در فوریه ۱۹۹۴ [در این باره] خاطر نشان می‌سازد:

«ما به منظور کسب احترام برای شأن و مقام خود می‌جنگیم... آن چه بیش از هر چیزی ما را می‌رنجاند، ناتوانی ما برای بیان احساساتمان و تقاضایمان می‌باشد. بگذارید این مطلب را روشن سازیم که ما برای شأن خود، به مثابه یک سرخپوست می‌جنگیم و بدین لحاظ در معرض بدنامی قرار نمی‌گیریم.» (۲۲)

۴- عاملان^۴

چهارمین جزء تعریف درباره تروریسم بین‌المللی، متوجه عاملان [آن] است. به‌طور سنتی، دو مسیر در طبقه‌بندی عاملان دخیل در تروریسم بین‌المللی دنبال شده است. در

1- Basque Fatherland and Liberty Movement

2- Juan

3- Zapatistas

4- Actors

۲۵۷ یکی به قربانیان و در دیگری به مرتکبان آن توجه شده است. وزارت خارجه آمریکا همچنان به کاربرد واژه "غیررزمنده" (تعریفی که گستره وسیعی را دربرمی‌گیرد) در آنچه که به بهترین نحو می‌تواند تلاش برای طبقه‌بندی بر مبنای قربانیان توصیف گردد، ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد دیگر نویسندگان معاصر به این نظریه پیوسته‌اند که احتمالاً اصطلاح "قربانیان بی‌گناه" (۲۴). تا حدی به توان توصیفی تعریف‌شان می‌افزاید؛ احتمالاً هیچ کدام از آنها دارای تأثیر بسیار نباشد؛ در حالی که اکثریت وسیع قربانیان تروریسم کار چندانی با منازعه نداشته و غالباً زیر عنوان "دیگران" (۲۵) طبقه‌بندی شده‌اند، قربانیانی نظیر تفنگداران دریایی آمریکایی در لبنان، نیروهای امنیتی بریتانیایی در ایرلند شمالی، یا اعضای جناح‌های مخالف یا رقیب، ممکن است به نحو عمیقی در منازعه در حال جریان دخالت داشته باشند. تلاش برای تعریف تروریسم بر مبنای قربانیان آن، فاقد مفهوم بوده و ناگزیر محکوم به شکست است.

اصطلاح "غیررزمنده"، حتی اگر به صورت موسعی تعریف گردد، چیزی به تعریف تروریسم نمی‌افزاید. اصطلاح "قربانیان بی‌گناه" (۲۶) نیز چنین است. این اصطلاح بدین مطلب اشاره دارد که ممکن است چیزی تحت عنوان قربانیان گناهکار وجود داشته باشد، که در آن حالت اقدامات مرتکبان آن ممکن است توجیه گردد. بدین ترتیب چه کسی شخص مجرم خواهد بود؟ آیا نماینده یک دولت در خارج از کشور است؟ سرباز گسیل شده برای خواباندن اغتشاش و ناآرامی است؟ افسر پلیس در یک گوشه خیابان است؟ یک عضو جناح مخالف یا رقیب است؟ درگیر شدن در طبقه‌بندی تروریسم بر مبنای قربانیان در دهه ۱۹۹۰ به مثابه آن است که از قربانیان دزدی، قبل از تصمیم‌گیری در این باره که جرمی واقع شده است بپرسیم که اشیای باارزش خود را تا چه حدی محفوظ می‌داشته‌اند؟ حتی اگر قرار باشد که قربانی یا به اصطلاح "مجرمی" بیاییم، باید این پرسش را مطرح ساخت که آیا "جرم" قربانی، استفاده غیرمشروع از زور بر ضد وی را توجیه می‌کند. به وضوح، طبقه‌بندی بر مبنای قربانیان، چیزی به تلاش‌های موجود برای تعریف تروریسم نیافزوده و بدین ترتیب باید کنار نهاده شود.

در همین حال، باید مدلهای موجود بر مبنای مرتکبان نیز بازنگری گردد. برخی دانش‌پژوهان و محققان در زمینه تروریسم، بویژه آنهایی که در مورد ضرورت یک تعریف جامع و دارای کاربردهای چندگانه از تروریسم استدلال کرده و بدان عقیده‌مند هستند، همچنان به پشتیبانی از این ادعا که تروریسم را افراد، گروه‌ها و یا دولتها صورت

می‌دهند، دنبال می‌کنند. (۲۷) برخی به نقش سازمانهای تروریستی توجه دارند (۲۸) در حالی که دیگران استدلال می‌کنند که افزایشی در زمینه توسعه شبکه‌های تروریستی وجود دارد. (۲۹) این که آیا این طبقه‌بندیها به نحو کافی منعکس‌کننده واقعیات و روندهای موجود در زمینه تروریسم بین‌المللی بوده، یا این که کمکی به تعریف تروریسم می‌کنند، محل سؤال است.

۱-۴- نقش دولتها^۱

برای دریافت نقش دولتها در تروریسم بین‌المللی، باید به روشنی بین آن چه که برخی مواقع از آن به "تروریسم دولتی"^۲ یاد شده و تروریسم دارای "پشتیبانی دولتی"^۳ تمایز قائل شد. شایسته یادآوری است که در لغظیهای سیاسی موجود، اصطلاح "تروریسم دولتی" غالباً برای اشاره به فعالیتهای خارجی یک دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد، حال آن که در کاربرد سنتی تر آن توصیف اقدامات داخلی یک دولت بیشتر مدنظر بوده است. به عبارت دیگر استفاده مستمر از واژه "تروریسم دولتی" در این مضمون منجر به تحریف معنای آن شده است.

[در این میان] مهم ساختن دیگر دولتها به تروریسم، از لحاظ سیاسی سودمند است. زیرا این امر نه تنها دلالت بر رفتاری غیراخلاقی از جانب دیگر دولتها دارد، بلکه هم چنین سکوی رسانه‌ای مؤثری را [برای تبلیغات] فراهم می‌آورد. (۳۰) با این همه، استفاده از اصطلاح "تروریسم دولتی" بویژه هنگامی که به فعالیتهای بین‌المللی اشاره دارد در بیشتر موارد از لحاظ طبقه‌بندی، ناصحیح، گمراه‌کننده و غالباً غیرضروری است. واژگان موجود که به توصیف تعامل بین دولتها می‌پردازند، بدون اشمال واژه "تروریسم"، به اندازه کافی رسا هستند. مهمتر از آن، این واژه به جای روشن ساختن رفتارها و شرایط موجود، آنها را مبهم می‌سازد. این واژه بین جنگ طولانی، مداخله مسلحانه، اقدامات پنهانی و تهدیدات یک دولت بر ضد [دولت] دیگر تمایزی صورت نمی‌دهد؛ نیز در مورد شناسایی ویژگیهای منحصر به فرد چنین اقداماتی ناتوان است.

در حالی که واژگان زیادی برای توصیف فعالیتهای داخلی یک دولت، رژیمهای اقتدارگرا، نهادهای توتالیتری و مانند آن وجود دارد، بالعکس می‌توان به خوبی استدلال

1- The Role of States

2- State terrorism

3- State supported terrorism

کرد که برخی از خصوصیات منحصر به فرد و پایای رفتار داخلی دولتها که در انقلاب فرانسه، فاشیسم در ایتالیا، نازیسم در آلمان و استالینیسم در اتحاد شوروی شناخته شده است، به نحو مؤثرتری، با اصطلاح "تروریسم دولتی" توصیف می‌گردند تا دیگر اصطلاحات و بنابراین شایستگی بیشتری برای [دارا بودن] این خصوصیت دارند. (۳۱)

علاوه بر ابهامات آشکار طبقه‌بندی‌ای که با کاربرد اصطلاح "تروریسم دولتی" رخ می‌نماید، نقش عملی دولتها در تروریسم بین‌المللی نیز مناقشه‌آمیز می‌گردد.

اصطلاح "تروریسم تحت کنترل دولت" نیز در سخن‌سراییه‌های سیاسی و جاهت‌پیشتری یافته است. این واژه معمولاً به اقدامات خاص دولتها در پشتیبانی از تروریستها اشاره دارد، تا کنترل مستقیم تروریستها به دست عاملان دولتی... علیرغم فعالیت تروریستی برخی دولتها، حتی وزارت خارجه آمریکا نیز تصدیق می‌کند که فهرست، ممکن است منعکس‌کننده واقعیات محیط بین‌المللی موجود نباشد. بر طبق گزارشهای وزارت خارجه آمریکا، هیچ‌گونه شواهدی در این مورد که مقامات سوری در طراحی یا اجرای حملات تروریستی از سال ۱۹۸۶ دخیل بوده‌اند وجود ندارد. (۳۳) کره شمالی نیز به نحو قطعی به هیچ‌یک از حملات تروریستی بین‌المللی از سال ۱۹۸۷ مرتبط نبوده و با این که حامی این گونه حملات باشد، شناخته نشده است. (۳۴) و...، هیچ‌گونه شواهد عینی‌ای از حمایت (کوبا) از تروریسم در سال ۱۹۹۵، (۳۵) و یا سال ۱۹۹۶ وجود ندارد. توانایی عراق برای اقدام تروریستی در خارج با تحریمهای سازمان ملل محدود شده است و سودان مستقیماً درگیر هیچ‌گونه از فعالیتهای تروریسم بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ نبوده است. (۳۶)

مفهوم حمایت دولتها از تروریسم بین‌المللی، مبتنی بر یک فرض تاریخی غلط می‌باشد که شایسته ژرف‌نگری است. ایده مشارکت دولتها [در تروریسم] که طی دوره ریگان برجسته گردید، مبتنی بر این باور بود که اتحاد شوروی هدایت تروریسم بین‌المللی را به عهده داشت، این نظر در کتابهایی نظیر "شبکه ترور" (۳۷) تأیید می‌شد. ندهای مخالف این نظر از داخل دستگاههای اطلاعاتی نادیده گرفته شده و حتی برخی استدلال می‌کردند که تئوری شبکه^۳ ثمره فرعی و ناخواسته فعالیتهای در حال جریان سازمان سیا برای دادن اطلاعات گمراه‌کننده بر ضد شورویها بوده است. (۳۸) حتی اگر

1- State controlled terrorism

2- The Terror Network

3- Network theory

قرار باشد ایده دخالت قابل توجه دولتها در تروریسم بین‌المللی را بپذیریم، باید همان‌گونه که مارتا کرن‌شاول^۱ به نحو شایسته‌ای خاطر نشان ساخته است، این امر را در نظر آوریم که تروریستها،... هیچ یک از کمک‌دهندگان را از اصول مستثنی نمی‌سازند. به هر جهت، قبول پشتیبانی از جانب [تروریستها] چشم آنها را به نفع خواسته‌های حامیانشان نمی‌بندد... (۳۹) با توجه به شواهد محدود در مورد دخالت مستقیم دولتها در تروریسم بین‌المللی، به نظر می‌رسد که مشارکت عملی آنها در تروریسم بین‌المللی نسبتاً نادر است، اگرچه غالباً با لفاظیهای سیاسی موجود مرتبط بوده و همواره بخشی از آن به شمار می‌رود.

در حالی که مشارکت فعال دولتها اندک است، لیکن تروریسم دارای حامیان دولتی، مسلماً وجود ندارد. اقدامات دولتها در پشتیبانی از اقداماتی که تحت عنوان تروریسم بین‌المللی توصیف می‌گردد می‌تواند به دو حوزه وسیع تقسیم گردد: نخست، دولتها می‌توانند مکانهای امنی برای اعضا و پشتیبانان این گروهها تهیه کنند. دوم، دولتها می‌توانند اطلاعات یا دیگر انواع کمکهای فنی را برای این گروهها فراهم کنند. بسیاری از دولتها، حتی ایالات متحده، حامی گروههای خارجی با منافع مشترک در تعقیب اهداف سیاست خود هستند و این امر ادعای فوق را دچار ابهام می‌سازد...

۲-۴- عاملین غیردولتی^۲

تجزیه و تحلیل گاه‌شمارانه^۳ ۳۳۰ مورد "حوادث تروریستی مهم" که وزارت خارجه آمریکا بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ انجام داده است، نشان از آن دارد که صرفاً در شش حادثه مشخص شده که عاملان دولتی، کنترل مستقیمی بر مرتکبان احتمالی داشته‌اند (جدول ۱ را ببینید) فقط دو حادثه طی مدت ۵ سال شواهد دخالت دولتی در حملات تروریستی بر ضد دیگر دولتها را فراهم آوردند؛ یکی از این حوادث عبارت از توطئه ترور ناکام بر ضد رئیس‌جمهور پیشین جورج بوش^۳ و دیگری قتل یک دیپلمات کره جنوبی بود، اگرچه دخالت یک دولت در این مورد هنوز قطعاً اثبات نشده است. چهار حادثه دیگر دربردارنده ترور مخالفان سیاسی و یا مخالفان در خارج بود. ترور خدیو عبدالعباس حمزه، دانشمند اتمی عراقی و فراری در ۲۷ فوریه ۱۹۹۵ در یونان، که

1- Martha Crenshaw

2- Non-State Actors

3- George Bush

۲۶۱ به عوامل عراقی نسبت داده شده، نمونه تمام عیار این گونه حوادث است. این اقدام اگرچه از لحاظ اخلاقی امری زننده است، ولی این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا کشتن یک تبعه فراری به دست دولت آن فرد در بیرون از مرزهایش، باید تروریسم بین‌المللی به شمار رود یا این که آیا طبقه‌بندی مناسبتری برای این اقدامات (مانند اقدامات پنهانی) وجود دارد. (۴۱) از آن جایی که مشارکت فعال دولتی در کمتر از ۲ درصد از حوادث تروریستی مهم رخ می‌دهد، هم چنین باید این سؤال را مطرح ساخت که آیا موضع تجاوزکارانه دولتها، در برابر به اصطلاح تروریسم دولتی یا تروریسم تحت کنترل دولتها توجیه‌پذیر است. در مقایسه، $\frac{2}{3}$ از حوادثی که در ذیل تروریسم بین‌المللی طبقه‌بندی شده‌اند، مستقیماً به عاملان غیردولتی نسبت داده شده و به دست آنها صورت گرفته است. حداقل ۹۰ درصد از حوادث باقیمانده نیز، اگرچه در زمان وقوع، عاملان آنها غیرمشخص بوده و یا ادعای انجام گرفتن آن از بر عاملی مطرح نگشت، نیز در درون طبقه‌بندی غیردولتی قرار گرفت. بنابراین با اطمینان می‌توان اظهار داشت که اکثریت قاطعی از مواردی که اکنون زیر عنوان تروریسم بین‌المللی طبقه‌بندی گشته‌اند، نه به دست دولتها، بلکه به دست عاملان غیردولتی صورت گرفته‌اند.

این گونه عاملان غیردولتی، در سطوح سازمانی مختلفی وجود داشته و اشکال اجتماعی متفاوتی را برگزیده‌اند، اگرچه شمار شخصیت‌های فرهمند و بسیار برجسته در تروریسم بین‌المللی در دهه ۱۹۷۰، کاهش یافته، لیکن افراد، هنوز در تروریسم دارای نقش هستند....

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال ۱۳۸۱ شمسی

مرتب‌کنان مضمون "حوادث تروریستی مهم در سالهای ۱۹۹۳-۹۶"

مجموع	نامشخص	عوامل غیردولتی	دولتها	
۸۵	۲۱	۶۲	۲	۱۹۹۶
۸۱	۱۶	۶۴	۱	۱۹۹۵
۵۷	۱۴	۴۱	۲	۱۹۹۴
۷۱	۳۵	۳۵	۱	۱۹۹۳
۳۶	۲۲	۱۴	۰	۱۹۹۲
۳۳۰	۱۰۸	۲۱۶	۶	مجموع

نقش گروه‌های به اصطلاح تروریستی در تروریسم بین‌المللی نیز، همانند نقش افراد، که به طور غالب در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطالعه گردیده‌اند، به نظر روبه افول است. گروه‌های تروریستی معدود باقیمانده مانند گروه ارتش سرخ^۱ و ارتش سرخ ژاپن^۲، همچون میراث دوره گذشته ظاهر گشته و ممکن است صرفاً با تطبیق با محیط بین‌المللی حاضر، به حیات خود ادامه دهند. این گونه گروه‌ها با همکاری و تشکیل اتحادیه‌هایی با سازمانهای بزرگتر در اوایل دوران توسعه خود، ظاهراً دسترسی لازم به زیرساختهای بزرگتر را بدون نیاز به این که اصلاحات ساختاری عمده‌ای را به منظور بقا و فعال باقی ماندن صورت دهند، پیدا کرده‌اند. در حالی که گروه‌های کوچکتر هنوز وجود دارند، لیکن بسیاری از آنها موجودیتهای فرعی گروه‌های بزرگتر و پیچیده‌تر، یا بخشهایی از ساختارهای سلولی پنهانی بوده و یا حداقل از لحاظ ایدئولوژیکی با ساختارهای سازمانی بزرگتر و پیچیده‌تری متصل هستند. در حالی که میزان تلفیق و همکاری میان موجودیتهای در این سازمانها ممکن است متغیر باشد، لیکن به نظر می‌رسد که بسیاری از عاملان غیردولتی که در تروریسم بین‌المللی دخالت دارند، نمای سازمانی پیچیده‌تری را اتخاذ کرده باشند.

عضوگیری بیشتر، افزایش تنوع کارکردها و حوزه‌های عملیاتی وسیعتر، منجر به ایجاد ساختارهای پیچیده‌تری گشته است. در حالی که برخی در مورد ظهور روبه افزایش شبکه‌های تروریستی بین‌المللی (۴۲) استدلال می‌کنند، شواهد در مورد وجود چنین شبکه‌هایی در بهترین حالت، فرضی است. اگرچه همکاری مربوط به اطلاعات بین سازمانهای تروریستی از اوایل دهه ۱۹۷۰ وجود داشته، شواهد مورد استفاده برای پشتیبانی از تئوریهای موجود در باب [وجود] شبکه‌های [تروریستی] ممکن است صرفاً منعکس‌کننده ارتباطات و تحرک روزافزونی باشد که احتمالاً می‌تواند به نحو مساوی به ساختارها و تغییرات سازمانی گسترش یافته در محیط بین‌المللی نسبت داده شود. از آن جایی که به نظر می‌رسد تروریسم بین‌المللی در تمام مراتب سازمانی رخ می‌دهد، از این رو به جای ایجاد فهرست بی‌پایانی از تغییرات همیشگی در واژگانی که ساختارهای متفاوت را توصیف می‌کنند، استفاده از اصطلاح "عاملان غیردولتی" از دیدگاه تعریفی، مؤثرتر به نظر می‌رسد.

1- Red Army Faction(RAF)

2- Japanese Red Army (JRA)

پنجمین و آخرین معیار برای تعریف تروریسم بین‌المللی، تأثیر آن می‌باشد. این معیار شاید کم مناقشه‌آمیزترین معیار از پنج مورد مطروحه باشد، زیرا بیشتر نویسندگان در باب تعریف تروریسم بین‌المللی به نحوی بدان اشاره کرده‌اند. این نظریه که برای برجسب تروریسم بین‌المللی خوردن امری، اقدامات تروریستها باید بر بیش از یک دولت تأثیر بگذارد، امر جدیدی نیست. بعد بین‌المللی نیز مشخصه خاصی برای تروریسم نیست. با این همه، این معیار یک شیوه مؤثر تمایز بین اقدامات تروریستی داخلی و بین‌المللی و بنابراین، همراه با دیگر عوامل، یک معیار تعریفی اساسی است. به هر روی باید توجه کرد که شکاف بین تروریسم داخلی و بین‌المللی ممکن است، شکافی باریک باشد. [اموری مانند] انتقال تسلیحات و مواد منفجره، درخواست مشارکتها و انتقال منابع مالی، استقرار مجدد و آموزش افراد، مبادله اطلاعات و مهارتهای فنی و ابلاغ اهداف و ایدئولوژیها به مخاطبان وسیعتر در آینده، این شکاف را هرچه تنگ‌تر خواهد کرد و ممکن است باعث گردد تروریستهای بیشتری به قول ادوارد میکولوس^۲ از "مرزهای ملی وراتر روند". در آینده، یک محیط بین‌المللی با پیچیدگی و وابستگی متقابل فزاینده، ممکن است واقعاً برای سازمانهای عمده تروریستی به صورت منفرد در داخل مرزهای جغرافیایی هر دولت خاص را ناممکن سازد. روی هم رفته در حال حاضر روشن است هنگامی که فعالیت تروریستی در بردارنده و یا تأثیرگذارنده بر منافع بیش از یک دولت باشد، می‌توان بین آن چه که تروریسم داخلی محسوب می‌شود و آن چه که باید تروریسم بین‌المللی محسوب گردد، خط فاصلی را ترسیم کرد.

نتیجه‌گیری

برای پرداختن و مختصر نمودن پیامدهای تروریسم بین‌المللی بر نظام بین‌المللی در حال ظهور، به نحوی کافی، "معضل تعریفی" باید رفع گردد. قطعنامه‌های جدید سازمان ملل و تغییرات در قوانین داخلی، بدون توافق مشترک پیرامون اصول اساسی تأثیری نداشته و یا اثر کمی خواهند داشت. هیچ‌گونه تعریفی که از لحاظ سیاسی رضایت‌بخش و از لحاظ آکادمیک معتبر باشد، به این مشکل به صورتی بسنده نپرداخته است. عواملی وجود دارند که به طور منفرد و یا در ترکیب با یکدیگر، تروریسم را از بقیه انواع خشونت

1- Effect

2- Edward Mickolus

متمایز می‌سازند که عبارتند از: تکرار، انگیزه، قصد، عاملان و تأثیر و این عوامل و دیگر عوامل بایستی دنبال شده و شناسایی گردند. هنگامی که این عوامل شناسایی شدند باید به نحوی مطالعه و تطبیق گردند تا به جای ترغیب تداوم اختلاف بر سر تعریف به پرورش و بسط توافق سیاسی بیانجامد. این امر می‌تواند بدون قربانی ساختن دقت آکادمیک و یا انعطاف‌پذیری سیاسی انجام گیرد.

مدلهای تحلیلی سنتی دولت - محور دارای فایده محدودی در مطالعه تروریسم بین‌المللی بوده و باید برای گنجاندن عاملان غیردولتی در مراحل مختلف، مانند جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و واکنش سیاسی یا نظامی، جرح و تعدیل گردند. برای این که واکنش دولتی مؤثر باشد، باید به واقعیات مربوط به تروریسم بین‌المللی و نه افسانه‌های تبلیغ شده رسانه‌ها، سیاستمدارها و یا تروریستها توجه نماید. افراط در ایفای نقش دولت و صرف میلیاردها دلار در مورد قانون‌گذاری به کمک جناح موافق^۱ در واکنش به وقایعی که ما هنوز آنها را در نیافته‌ایم؛ (۴۳) کمکی اندک، در توسعه درازمدت سیاستها اعتماد آفرین خواهد بود.

وجود نگرشی تازه و عملی به موضوعات مورد نیاز می‌باشد که نه تنها به مسایل سیاسی روز بلکه به توسعه سیاسی آینده توجه نماید. این چنین تلاشی باید با بسط تعریفی کاربردی از مشکل که به طور مشترک مورد قبول باشد، آغاز گردد. با در نظر داشتن هشدار آقای لاکو^۲ در این باره که، تروریسم زمینه خطرناکی برای ساده‌سازان^۳ و تعمیم‌دهندگان^۴ است، (۴۴) تعریف مطرح شده از تروریسم بین‌المللی در این مقاله، در پی زمینه‌ای میانه و مبتنایی برای سازش و مصالحه می‌باشد. در این مقاله با ترسیم دو سوی طیف تعریفی، برای تعریفی ساده‌تر، شفاف‌تر و عملی‌تر از تروریسم بین‌المللی به احتجاج پرداخته شد. اگر قرار است که مطالعه و ادراک ما از تروریسم بین‌المللی پیشرفت نماید و سیاستهای ملی و بین‌المللی از باتلاق موجود در زمینه سیاستها خارج گردد، در نهایت میزانی از توافق بر سر تعریف تروریسم بین‌المللی باید حاصل گردد.

1- band-aid

2- Laqueur

3- Simplificateurs

4- generalisateurs

یادداشتها

۱- بنگرید به:

- Haffney, Neil, *The United Nations and International Efforts to Deal with Terrorism* (Washington D.C: Institute for the Study of Diplomacy, School of Foreign Service, Georgetown University, 1988), Finger, Semur Makwell, "The United Nations and International, Terrorism", in: Charles Kegley Jr (ed.), *International Terrorism: Characteristics, Causes, Controls*, (New York: St. Martin's Press, 1990).

2- Lebaton, Steven, "Bill on Terrorism, once a certainty, Derails in House", *New York Times*, 3 October 1995.

3- Schmid, Alex P. "The Response Problem as a Definition Problem", In: *Western Response to Terrorism*, Alex Schmid and Roland D. Crelinsten (London: Frank Cass & Co. Ltd. 1993), p. 8.

4- Schmid, Alex P. "The Response Problem as a Definition Problem", In: *Western Response to Terrorism*, Schmid, Alex and Roland D. Crelinsten (London: Frank Cass & Co. Ltd. 1993), p. 8.

5- Sederberg, Peter, "Defining Terrorism", *Annual Review of Conflict of Knowledge* (New York: Garland Publishing, 1991).

6- United States Department of State, *Pattern of Global Terrorism: 1995* (Washington D. C: Department of State Publications, 1996) p. vi.

۷- همان.

8- Lewis, Anthony, "Anti-terrorist Bill Sounds Like work of Joe McCarthy", *St. Peter Sbury Times*, 27 February 1995.

۹- بنگرید به:

- Mickolus, Edward, *Transnational Terrorism: A Chronology of Events 1968-1978* (Westport,

Conn: Greenwood Press, 1980), *The Literature of Terrorism: A Selected Bibliography* (Westport, Conn.: Greenwood Press, 1988).

به نظر من، ادوارد میکولوس یکی از معدود تعاریف کاربردی از تروریسم بین‌المللی را، اگرچه قدری طولانی، به دست داده است. وی تروریسم را به استفاده و یا تهدید به استفاده از خشونت ناشی از تشویش خارج از حد معمول، برای مقاصد سیاسی فرد یا گروه، خواه به طرفداری یا مخالفت با مقامات دولت موجود، هنگامی که این گونه اقدامی به منظور اعمال نفوذ بر دیدگاه‌های گروه بزرگتری که وسیع‌تر از قربانیان مستقیم بوده و هنگامی که از خلال محل آن سازوکارهای حل و فصل آن فراتر از مرزهای ملی رود، تعریف کرده است.

10- *Patterns of Global Terrorism 1993* (United States Department of state, 1994).

11- Steven K. Paulson, "Bombing Jury Reaches Verdict", 97. 06. 02. Associated Press.

۱۲- ابوحمیمه اگرچه محکوم نگشت لیکن گفته می‌شود با ترور "میرکاهان" (Meir Kahane) و قتل مصطفی شلابی (Mustafa Schallabi) رییس قبلی مرکز پناهندگان افغان در بروکلین ارتباط داشته است.

۱۳- ببینید:

- *Patterns of Global Terrorism 1995*, (United States Department of State, 1996), p. 6.

۱۴- توطئه‌گران با توطئه‌ای مرتبط بودند که براساس آن قرار بود تا اهداف مشخصی در نیویورک شامل ساختمان سازمان ملل، ساختمان اف. بی. آی (FBI) و تونلهای "هلند" و "لینکس" منفجر شده و طرحهایی نیز برای ترور حسنی مبارک، پتروس غالی و یک سناتور نیویورک داشتند.

۱۵- حوادث بیشماری در ایالات متحده رخ می‌دهد که در آنها افراد مجرم، قبل، در حین و یا پس از جنایت از دیدگاه‌های سیاسی حمایت می‌کنند، بدون آن که تروریست قلمداد گردند.

۱۶- برای مثال ببینید:

- Schmid, "The Response Problem as a Definition Problem", Alex P. Schmid and Junny de Graaf, *Violence as Communication*, In: *Surgent Terrorism and the Western News Media* (London: Sage, 1982).

۱۷- برای مثال ببینید:

- Crenshaw, Martha, "The Logic of Terrorism: Terrorism as a Product of Strategic Choice", or David C. Rapoport, "Sacred Terror: A Contemporary Example from Islam", in: Walten Reich (ed.) *Origins of Terrorism: Psychologies, Ideologies, Theologies, and States of Mind*, (New York: Cambridge University Press, 1996) pp. 7-24, pp. 103-130, Ted Robert Gurr, *Why Men Rebel* (New Jersey: Princeton University Press, 1970).

18- Lasswell, Harold D. *Politics: Who Gets What, When, How* (New York: Meridian, 1936).

19- Laqueur, Walter, *The Age of Terrorism* (Boston: Little Brown and Company, 1987), p. 11.

۲۰- برخی نیز "مخاطبان" را یکی عامل اساسی در تعریف تروریسم تلقی می‌کنند. من موافق این موضوع نیستم. در حالی که مخاطبان یعنی کسانی "جز قربانیان مستقیم" به ما در توضیح این که تروریسم چگونه عمل کرده و انواع خاصی از تروریسم (از قبیل نفس‌گرایانه، تجزیه‌طلبانه، انقلابی و غیره) کمک می‌کند، دیگر انواع خشونت

۲۶۷ نیز هدفشان این گونه مخاطبان است (برای مثال: خودکشی، جنگ باندهای تبهکار، منازعه نظامی). مخاطبان تا حد زیادی از لحاظ ماهیت، اندازه و ترکیب با یکدیگر متفاوتند. بدین لحاظ آنها صرفاً مختص تروریسم نبوده و مشخصه متمایزکننده‌ای محسوب نمی‌گردند.

۲۱- منبع اصلی ناشناخته است.

22- Collier, George A. **Basta! Land and the Zapatista Rebellion in Chiapas** (Oakland, California: Institute for food and Development Policy, 1994), p. 143.

23- **New York Times**, June 1995.

۲۴- برای مثال نک:

- Combs, Cindy C. **Terrorism in the Twenty-first Century** (New Jersey Prentice Hall, 1997), p. 8.

25- United states Department of State (1996).

۲۶- برای بحث مفصل درباره این موضوع ببینید:

- Levine, Victor T. "On The Victims of Terrorism And Their Innocence" **The Journal of Terrorism and Political Violence**, 9/3 (1997), pp. 55-62.

۲۷- ببینید:

- Schmid and Jongman, op.cit.

۲۸- برای مثال ببینید:

- Mallins, Wayman C. **A Sourcebook on Domestic and International Terrorism: An Analysis of Issues, Organizations, Tactics and Responses**, 2nd ed. (Spring field, Illinois: Charles C. Thomas Publisher, Ltd, 1997), Alexander Yonah and Dennis A. Pluchinsky (eds), **Europe's Red Terrorists: The Fighting Communist Organizations** (London: Portland, OR: Frank Cass and Co. Ltd., 1992).

۲۹- برای مثال ببینید:

- Sterling, Claive, **The Terror Network: The Secret War of International Terrorism** (New York: Holt, Rhinehart and Winston, 1981), Bodansky, Joseph, **Target America** (New York: S.P.T Books, 1993); Emerson, Steven, **Jihad in America**. (Alexandria, VA: PBS Video, 1994).

۳۰- این موضوع را از معمر قذافی یا صدام حسین سؤال کنید.

۳۱- ببینید:

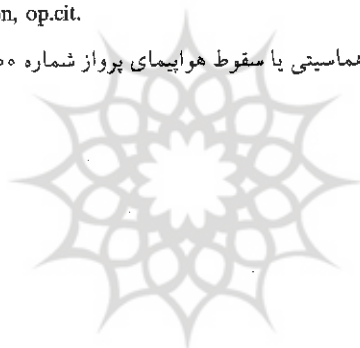
- Rapoport, David C. and Yonah Alexander, **The Morality of Terrorism**, 2nd edition (New York: Colombia University Press, 1989), pp. 127-219.

۳۲- ببینید:

- **Patterns of Global Terrorism 1995** (United States Department of State, 1996).

۳۳- همان، ص ۲۴.

- 36- Patterns of Global Terrorism 1996 (United States Department of State, 1997).
- 37- See: Sterling, op.cit.
- 38- Terverton, Gregory, **Covert Action**. (New York: Basic Books, 1987), p. 165.
- 39- Crenshaw, Martha, "Is International Terrorism Primarily State-sponsored?", in: **International Terrorism: Characteristics, Causes, Controls**, (ed.) Charles W. Kegley Jr. (New York: St. Martin's Press, 1990).
- 40- Patterns of Global Terrorism 1993, 1994, 1995, (United States Department of State, 1994-1996).
- 41- Gardcla, Karen and Bruce Hoffman, **The RAND Chronology of International Terrorism For 1987**. (Santa Monica, CA: Rand, 1991).
- 42- See: Bodansky & Emerson, op.cit.
- ۴۳- برای مثال، بمب‌گذاری اوکلاه‌ماسیتی یا سقوط هواپیمای پرواز شماره ۸۰۰ شرکت هواپیمایی TWA.
- 44- Laqueur, op.cit., p. 9.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی